

تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی

تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال 1364 هجری شمسی



تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال 1364 هجری شمسی انقلاب اسلامی ایران بیش از هر چیز مرهون فرهنگ اسلامی و تعالیم حیات بخش اسلام و تداوم و گسترش چنین انقلابی در گرو بقا و رشد فرهنگ اسلامی در نسلهای موجود و آینده است. این وظیفه بیش از همه بر عهده نهادهای آموزشی و پرورشی، بخصوص دانشگاههاست؛

اما بافت دانشگاهی ایران در سالهای پیش از انقلاب اسلامی و همچنین نظام آموزشی و محتوای دروس و کتابها بویژه در علوم انسانی آن دوره، متناسب با این وظیفه نبود و چه بسا دانشگاههایی ما به وسیله خارجیان هدایت می شد و شکل و محتوای آنها تابع اراده بیگانگان و خط مشی آنها در جهت حفظ و تقویت سلطه سیاسی اقتصادی آمریکا و سایر دول استعمارگر بوده است؛ به همین علت پس از پیروزی انقلاب، دانشجویان و استادان متعهد دانشگاهها تصمیم گرفتند انقلابی فرهنگی به وجود بیاورند تا در سایه آن بتوانند ضمانتی برای بقا و تداوم انقلاب اسلامی و همچنین عامل نیرومندی برای صدور و گسترش فرهنگ انقلاب ایجاد کنند. این کار مستلزم اموری بود که کم و بیش اجرا شده و یا در دست اجراست.

1- تصفیه دانشگاهها از عناصر وابسته به استعمارگران و ابرقدرتها و به طور کلی از عناصر ضد انقلاب.

2- تجدید نظر در نظام آموزشی و ساختاری دانشگاهها و متحول ساختن آنها به گونه ای که متناسب با نیازهای کشور و تأمین استقلال سیاسی - اقتصادی جمهوری اسلامی ایران باشد و کشور را از وابستگی فرهنگی و دیگر وابستگیها نجات دهد.

3- گنجاندن دروس خاصی در برنامه های دانشکده ها که آشنایی لازم دانشجویان را با اهداف انقلاب و معارف و دیدگاههای اسلام تأمین کند. اینها کارهایی است که لازم است در همه دانشگاهها انجام شود و ستاد انقلاب فرهنگی مسئول اجرای آنهاست.

ضرورت انقلاب فرهنگی:

هدف پیامبران الهی دگرگون ساختن فرهنگ جامعه به سوی یک فرهنگ توحیدی و خدا پسندانه است. یعنی پیامبران در حقیقت بنیانگذاران راستین فرهنگ اصیل الهی و انسانی بوده اند. به طور مثال پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد (ص) با آغاز رسالت خویش بعثت فرهنگی جدیدی ایجاد کرد؛ به طوری که از یک ملت نیمه وحشی و از اعراب متعصب جاهلی جامعه نوینی با تمدن شکوفا و فرهنگی غنی و پربرآ، آفرید. این چنین تحوли جبر با تغییر زیر ساخت فرهنگی جامعه امکان پذیر نبود؛ و جامعه ایران اسلامی نیز باید از انقلاب فرهنگی پیامبر گرانقدر خود الهام می گرفت، زیرا تا فرهنگ جامعه ای دگرگون نشود دگرگونی در بقیه جهات میسر نیست و یگانه رمز تداوم و توفیق رهبر انقلاب آن است که فرهنگ آن انقلاب جایگزین و استوار گردد و گرنه بنای نهادهای دیگر انقلاب بر فرهنگ پوسیده و ارتجاعی و ظالمانه پیشین، متزلزل و بی ثبات خواهد بود و هر آن انتظار فرو ریختن تمامی آنها خواهد رفت. تا انقلابی در روحها و اندیشه ها رخ ندهد، در ابعاد دیگر زندگی انسانی انقلابی رخ نخواهد داد. اگر چه انقلابی با ترقی فکری و روحی مردم آن جامعه البته

به طور نسبی آغاز خواهد شد اما آن جرقه ها و حرکتها به تنهایی کافی نیست. پس از پیروز شدن و به ثمر رسیدن انقلاب، جامعه ایران نیز نیاز به یک تحول بنیادین داشته و دارد؛ تحوли که انسان ساز و هدایتگر باشد و جامعه را دگرگون کند و خلاصه جهت دهنده و راهبر باشد. در انقلاب اسلامی ایران نیز انقلاب با درخواست مردم برای تغییر سرنوشتشان آغاز شد که این مسئله سرآغاز یک انقلاب فرهنگی عظیم بود، اما پس از پیروزی انقلاب کافی نبود که به همان میزان رشد و آگاهی مردم اکتفا بشود، زیرا تغییرات و تحولات مقطعی و زودگذر نمی توانست استمرار دایمی داشته باشد؛ بلکه باید از ریشه و بنیان، نظام فرهنگی شاهنشاهی و زورمداری در هم می ریخت و به جای آن فرهنگ اصیل اسلامی جایگزین می شد. حضرت امام خمینی (ره) به سرعت بر این مسئله انگشت نهادند و ضرورت انقلاب در افکار و اندیشه های مردم بویژه نسل جوان را در مراکز علمی و فکری همچون دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و مدارس تأکید و تصریح نمودند. گرچه انقلاب فرهنگی در یک جامعه منحصر به طبقه دانش آموز و دانشجو نیست و اصولاً فرهنگ کشور تنها در نظام آموزشی آن خلاصه نمی شود و شامل ویژگیهای از قبیل: آداب و رسوم، دین و اخلاقیات، سنن اجتماعی، دانستیها و علوم و غیره است، اما ضرورت انقلاب فرهنگی در مدارس و دانشگاهها از مهمترین امور محسوب می شود.

امام و انقلاب فرهنگی:

"باید انقلابی اساسی در تمام دانشگاه‌های سراسر ایران به وجود آید تا استادانی که در ارتباط با شرق و غربند تصفیه بشوند و دانشگاه محیط سالمی شود برای تدریس علوم عالی اسلامی. باید از بدآموزی‌های رژیم سابق در دانشگاه‌های سراسر ایران شدیداً جلوگیری کرد؛ زیرا تمام بدبختی‌های جامعه ایران در طول سلطنت این پدر و پسر از این بدآموزی‌ها به وجود آمده است. اگر ما در دانشگاه‌ها تربیتی اصولی داشتیم هرگز طبقه روشنفکر دانشگاهی ما که در بحرانی‌ترین اوضاع ایران در نزاع و چند دستگی با خودشان نبودند. و از آنچه که بر مردم می‌گذشت چنان آسان عبور نمی‌کردند به نحوی که گویی در ایران نیستند. تمام عقب‌ماندگی‌های ما به لحاظ فقدان شناخت صحیح اکثر روشنفکران دانشگاهی از جامعه اسلامی ایران بود؛ و متأسفانه هم اکنون هم هست. اکثر ضربات مهلکی که به این اجتماع خورده است از دست اکثر همین روشنفکران دانشگاه رفته است که همیشه خود را بزرگ می‌دیدند و می‌بینند و تنها حرف‌هایی می‌زدند و می‌زند که دوستان روشنفکر خودشان قادر به درک آنها هستند و لا غیر. روشنفکران متعمد و مسئول بیایید و تفرقه و تشتت را کنار گذارید و به مردم فکر کنید و برای نجات این قهرمانان شهید داده خود را از شر "ایسم" و "ایست" شرق و غرب نجات دهید. روی پای خود بایستید و از تکیه به اجانب بپرهیزید."